



The Functions of Trust in God in dealing with Individuals and Divine Destiny based on the Content Analysis of the Verses of the Holy Qur'an

(Received: 2023-06-10 / Accepted: 2023-08-31)

Mohammad Etrat Doost¹, Fathiyeh Fattahizadeh², Masoumeh Sadat Saeidi Hosseini³

Abstract

In the Holy Qur'an, Almighty God has ordered His servants in the form of a directive, to trust in Him and mentioned the functions of trust in God in many cases. Examining the verses containing the concept of trust (tawakkul) in the Holy Quran shows that God Almighty has mainly explained the benefits and functions of trust in dealing with different individuals and issues and has mentioned many examples for it. Since the concept of trust is one of the ambiguous words in the Islamic education system and various definitions and functions have been expressed for it from the perspective of Islamic thinkers, it is therefore necessary to explain its functions in dealing with different people and cases from the perspective of the verses in an independent research. Also, the Holy Qur'an should be discussed, and the verses of the Holy Qur'an should be analyzed in this context without conceptual presuppositions and predetermined categories. In this research, an attempt has been made to analyze the verses of the Holy Quran by using the "content analysis" method as one of the interdisciplinary and text-based research methods to discover the functions of trust, and in the end, the comprehensive model of the functions of trust in God in facing different people and issues were presented.

The findings of the research show that 31% of the verses involving the issue of trust (tawakkul) can be divided into five categories of dealing with infidels and polytheists, hypocrites, people of the book, wrong actions of Muslims, and divine judgment. The final result of trusting in God in these cases is the growth and evolution of man and salvation from the mentioned afflictions.

Keywords: the Holy Qur'an, Trust in God, Divine Judgment and Destiny, Functions of Trust, Content Analysis Method.

1- Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. (Corresponding author), Etratdoost@sru.ac.ir

2- Professor of the Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

3- Master of the Department of Quranic Studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran, msaeidi.h88@gmail.com



کارکردهای توکل به خداوند در مواجهه با افراد و قضا و قدر الهی بر مبنای تحلیل محتوای آیات قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹)

محمد عترت دوست^۱، فتحیه فتاحی زاده^۲، معصومه سادات سعیدی حسینی^۳

چکیده

خداوند متعال در قرآن کریم به صورت امر ارشادی، بندگانش را به توکل بر خود امر کرده و در موارد متعددی کارکردهای توکل به خداوند را نیز ذکر کرده است. بررسی آیات متضمن مفهوم توکل در قرآن کریم نشان می‌دهد خداوند متعال عمدتاً به تبیین فواید و کارکردهای توکل در مواجهه با افراد و قضایای مختلف پرداخته و مصادیق فراوانی برای آن ذکر کرده است. از آنجاکه مفهوم توکل، یکی از واژگان دارای ابهام در نظام معارف اسلامی بوده و تعاریف و کارکردهای مختلفی برای آن از منظر اندیشمندان اسلامی بیان شده، لذا ضروری است که در پژوهش مستقلی به تبیین کارکردهای آن از منظر آیات قرآن کریم پرداخته و بدون پیش‌فرض مفهومی و دسته‌بندی از پیش تعیین شده، به تحلیل آیات قرآن کریم در این زمینه پرداخته شود. در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به‌مثابه یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متن‌محور، به تحلیل آیات قرآن کریم برای کشف کارکردهای توکل پرداخته و در پایان، الگوی جامع کارکردهای توکل به خداوند در مواجهه با افراد و قضایای مختلف ارائه شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۳۱٪ از آیات متضمن بحث توکل، به تبیین کارکردهای آن در پنج مقوله مواجهه با کفار و مشرکان، منافقان، اهل کتاب،

۱- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

Etratdoost@sru.ac.ir

۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران، f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران، msaeidi.h88@gmail.com



عملکرد نادرست مسلمانان و قضا و قدر الهی، قابل تقسیم است. نتیجه نهایی توکل به خداوند در این موارد، رشد و تکامل انسان و نجات از ابتلائات ذکر شده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، توکل، قضا و قدر الهی، اتکا به خداوند، روش تحلیل محتوا.

۱. طرح مسئله

توکل، اعتماد و تکیه بر قدرت و حکمت خداوند است که آرامش روح، تقویت اراده و استقامت در مسیر حق را در پی دارد و یکی از بهترین راه‌های شناخت خداوند است. انسان با داشتن پشتوانه و تکیه‌گاه در شرایط سخت زندگی و فراز و نشیب‌های آن، می‌تواند بر مشکلات فائق آمده و به بهترین شکل در امتحانات الهی پیروز شود. مشتقات بسیار توکل در قرآن کریم که ۷۰ مرتبه و در ۶۱ آیه به کار رفته است، نشان از کلیدی بودن این مفهوم از دیدگاه قرآن دارد و بر لزوم تأمل و بررسی دقیق این واژه می‌افزاید.

اگرچه عالمان لغت و مفسران قرآن کریم به تعریف این واژه و مشتقات آن و نیز تبیین کارکردها و نتایجش پرداخته‌اند، ولیکن سبک قرآن کریم آن است که به جای ارائه تعریف مفهومی از یک موضوع، به تعریف مصداقی از آن پرداخته و با معرفی کارکردهای یک چیز یا افرادی که متصف به آن صفت هستند، آن مفهوم را در جامعه اسلامی نهادینه کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد بررسی کارکردهای مفهوم توکل در قرآن کریم از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن مهم‌تر و مفیدتر بوده و تأثیرگذاری بیشتری در ایجاد روحیه توکل به خداوند در جامعه اسلامی خواهد گذاشت. بر این اساس، این پژوهش را می‌توان یکی از مصادیق پژوهش‌های بنیادین اجتماعی دانست که کاربرد اعتقاد به معارف اسلامی را در سطح جامعه از منظر قرآن کریم به تصویر کشیده است.

بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش آن است که اولاً چه تعداد از آیات قرآن کریم به موضوع کارکردهای توکل توجه نموده است؟ ثانیاً کارکردهای بیان شده برای توکل به خداوند در قرآن کریم، چیست؟ و ثالثاً این کارکردها به چه اقسام و دسته‌هایی قابل تقسیم و تبیین هستند؟ پیش از تبیین مطالب لازم به ذکر است که منظور از «کارکرد» در این پژوهش، همان آثار و نتایج و فوایدی است که خداوند متعال به منظور تشویق و ترغیب مؤمنان به توکل در آیات قرآن

کریم بیان کرده است. در بسیاری از آیات قرآن کریم چنین بیان شده است که اگر انسان‌ها در مواجهه با مشکلات و افراد و قضایای مختلف به خداوند متعال توکل کنند، آثار و فوایدی برای آن‌ها به همراه دارد و توکل آن‌ها هم در دنیا و هم در آخرت منجر به نتایجی خواهد شد که در این پژوهش از مجموعه آن‌ها به «کارکرد» تعبیر شده است.

۲. پیشینه تحقیق

باید توجه داشت که پژوهش‌های فراوانی در رابطه با بررسی مفهوم توکل و فواید آن در قرآن کریم انجام گرفته است که عمده آن‌ها بر مبنای روش معمول مطالعات کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از پیش‌فرض‌های معنایی مفهوم توکل انجام گرفته است. بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، عمدتاً دچار نوعی رکود معنایی و ایستایی تأثیرگذاری بوده و تحریک‌کننده مخاطبان خود برای میل به توکل الهی نیستند. به همین جهت شایسته است در مواجهه‌ای جدید با قرآن، از روش‌های نوین در راستای فهم هرچه بهتر مفاهیم فارغ از جهت‌گیری و پیش‌زمینه‌های فکری بهره گرفته شود. به همین منظور برای تحقیق حاضر از روش تحلیل محتوا به مثابه یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور استفاده شده است که صرفاً به تحلیل متن پرداخته و تلاش دارد هیچ کدام از پیش‌فرض‌های معنایی و پیش‌زمینه‌های ذهنی مخاطب را در تحلیل وارد نکند.

۳. مفهوم شناسی توکل

توکل از ماده «وکل» به معنای واگذار کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۵: ۴۰۵) یا اعتماد بر دیگری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۲). این ماده اگر با «علی» متعدی شود به معنای اعتماد و تفویض امر است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ۷: ۲۴۱). همچنین برخی توکل را به معنای عجز و اظهار ناتوانی و اعتماد بر دیگری می‌دانند (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۶: ۱۳۶، ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱: ۷۳۴).

به همین دلیل مفسران، توکل را سپردن کار به خداوند و رضا به تدبیر و حسن اختیار او دانسته (طوسی، بی تا، ۵: ۲۳۴) و متوکل را کسی می‌دانند که بداند خداوند روزی او را کفایت کرده است، پس تنها به او تکیه می‌کند (طبرسی، بی تا، ۲۵: ۱۰۰). برخی دیگر از مفسران، منظور از توکل به خدا را این می‌دانند که انسان تلاشگر کار خود را به او واگذارد و حل مشکلات خویش را از او بخواهد، چرا که خداوند متعال از تمام نیازهای انسان آگاه است و نسبت به او رحیم و مهربان بوده و قدرت انجام همه امور را نیز دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۲۳۹). بر این

اساس، توکل از دید اهل حقیقت به معنای اعتماد به آنچه نزد خداوند و یأس از آنچه نزد دیگران است، معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱: ۷۳۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ۱۵: ۷۷۶).

۴. روش تحقیق

یکی از بهترین روش‌های تحلیلی متن محور که تلاش دارد بدون استفاده از پیش فرض‌ها و پیش‌زمینه‌های فکری محققان، صرفاً به تحلیل متن پرداخته و لایه‌های پنهان متن را شناسایی کند، روش «تحلیل محتوا» است. تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن، برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد. از این‌رو تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده، بدیهی و مشخصی هستند، به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود، می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ لذا به واسطه‌ی تحلیل محتوا، باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند، لذا آشنا شدن با تکنیک‌ها و فرایندهای اجرای این روش برای محققان آن، ضروری است (باردن، ۱۳۷۵: ۴۴ و ۲۹).

همچنین باید دانست که تحلیل محتوا تکنیکی پژوهشی، برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها است. تحلیل محتوا شامل شیوه‌های تخصصی در پردازش داده‌های علمی است. هدف تحلیل، مانند همه تکنیک‌های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است. تحلیل محتوا فقط، ابزار است و بس (کرپیندروف، ۱۳۸۷: ۲۵). تحلیل محتوا، به دو گونه کمی و کیفی تقسیم می‌شود. روش‌های کمی، توزیعی هستند. در تحلیل کمی، از شمارش واحدهای محتوایی استفاده می‌شود و تلاش می‌گردد تا ویژگی‌های خاصی در متن اندازه‌گیری شود؛ اما روش‌های کیفی، تشدید می‌کنند، یعنی تعداد کمی اطلاعات مرکب و مفصل، تحلیل می‌شود و واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها ظهور یا غیبت یک خصیصه است (عترت دوست، ۱۴۰۱: ۲۷).

بارزترین ویژگی تحلیل محتوا، کمی بودن به معنای استفاده از اعداد و ارقام در توصیف و طبقه‌بندی اطلاعات و نیز تحلیل داده‌ها با روش‌های آماری است (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۳۲). در تحلیل کیفی، محتوای داده‌های متن که در روش کمی طبقه‌بندی و کدگذاری شده، تفسیر می‌شود. تحلیل کیفی به مثابه فنی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده است. از نظر هولستی، تحلیلگر محتوا، باید از روش‌های کمی و کیفی برای تکمیل یکدیگر توأمان استفاده کند. به

گفته یکی از نویسندگان نباید تصور کرد که روش‌های کیفی دارای بصیرت‌اند و روش‌های کمی صرفاً روش‌های رسیدگی فرضیه‌ها هستند. ارتباط بین این دو روش ارتباط دورانی است؛ هر یک از آن‌ها بینشی را شکل می‌دهند؛ که دیگری آن را تغذیه می‌کند (هولستی، ۱۳۹۱: ۲۵ و ۱۴).

به‌منظور شناسایی آیات متضمن بحث توکل و برای پرهیز از تقطیع آیات بدون توجه به سیاق آن‌ها، در این پژوهش تمامی آیات متضمن واژه توکل در سیاق آن‌ها بررسی شده و کلیه آیات آن سیاق، در جدول تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر هرکجا که واژه توکل در آیه‌ای به کاررفته بود، آیات قبل و بعد آن نیز که دارای سیاق مشترک بودند، انتخاب شده و در جدول تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار گرفتند. اگرچه این اقدام باعث شد که با حجم انبوهی از آیات قرآن کریم مواجه شویم، ولیکن به محققان کمک کرد تا با شناخت بهتری نسبت به سیاق آیات، به استخراج موضوع اصلی و موضوعات فرعی آیات پرداخته و گزاره‌های بهتری از متن استخراج کنند. به همین دلیل در این تحقیق از تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» بر مبنای «مجموعه آیات هم سیاق دارای مضمون واحد» استفاده شده و تلاش گردیده با بهره‌گیری از سیاق آیات، جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هرکدام از آیات، کشف و ثبت گردد.

لازم است ذکر شود که در روش تحلیل محتوا، تلاش می‌شود با درج متن در جداول مخصوص، موضوع اصلی به‌عنوان جهت‌گیری اصلی متن و موضوعات فرعی به‌عنوان نقاط تمرکز متن، شناسایی و ثبت شده و در پایان، با مقوله‌بندی مناسب، محتوای اصلی متون، تبیین و تحلیل شود. مبنای محققان در استخراج سیاق نیز تفسیر شریف المیزان از علامه طباطبایی (ره) بوده است.

اولین مرحله عملی برای پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق آیات، ترسیم جدول به‌منظور استخراج موضوعات اصلی و فرعی است. سپس بر مبنای این جداول، ادامه روش تحلیل محتوا، سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی آیات و درنهایت شناسایی مهم‌ترین نقاط تمرکز متن است. در این تحقیق، «محتوا» آیات دارای مضمون توکل در قرآن کریم است. همچنین بر اساس تفاسیر موضوعی، آیات فاقد کلیدواژه توکل نیز که گویای مفهوم توکل بوده‌اند، به مجموعه آیات اضافه شده و همراه با آیات هم سیاق، در جداول تحلیل شده است. برای یافتن سیاق آیات، به تفسیر المیزان مراجعه شده و برای فهم مفاهیم آیات نیز از چهار تفسیر: «المیزان فی تفسیر القرآن» محمدحسین طباطبایی، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن» فضل بن حسن طبرسی، «تفسیر نور» محسن قرائتی و «تفسیر نمونه» ناصر مکارم شیرازی استفاده شده

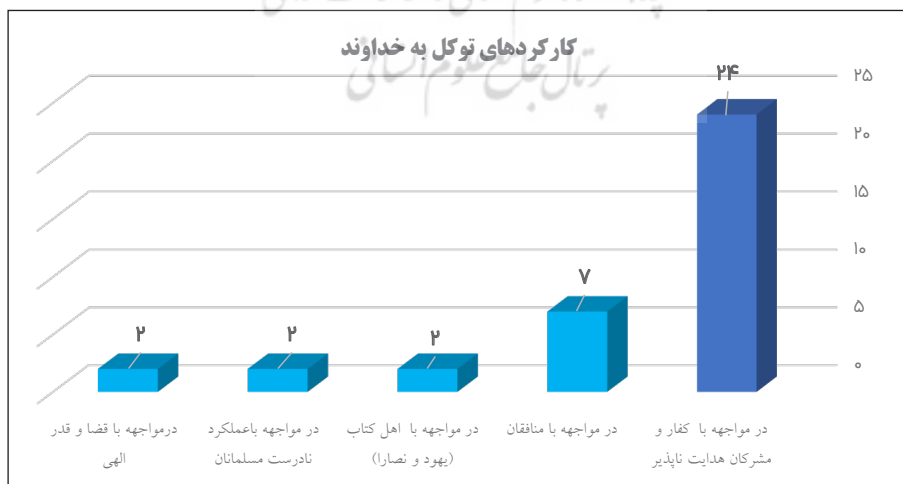
است. در ادامه به عنوان نمونه قسمتی از جدول اصلی تحلیل محتوای آیات آورده شده است (جهت مشاهده جدول کامل ر.ک: سعیدی حسینی، ۱۳۹۸: ۱۳-۲۶).

| شماره | سوره | آیات توکل | جهت‌گیری | نقاط تمرکز متن | کد شناسه |
|-------|-------------|---|----------------------|---|----------|
| ۱۲ | هود (۵۰-۶۰) | إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۶) | کارکرد توکل | در مواجهه با مشرکان | A-۱۲-۵ |
| | | | نتیجه توکل | احساس قدرتمندی، پیروزی در برابر دشمنان، نجات از عذاب الهی | A-۱۲-۳ |
| | | | ویژگی متوکلان | شجاع، مقتدر، عامل به وظیفه، مبارز طلب، دارای آرامش خیال، مطیع اوامر الهی، انتظار پاداش تنها از خداوند | A-۱۲-۶ |
| | | | لوازم توکل | عمل به وظایف محوله | A-۱۲-۲ |
| | | | ضرورت توکل به خداوند | به دلیل صفات خاص او (مدبّر، یاری گر حق، عادل، قادر، مسلط بر مخلوقات، حافظ) | A-۱۲-۱ |
| ۱۳ | هود (۸۴-۹۵) | وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ رَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۸۸) | کارکرد توکل | در مواجهه با مشرکان | A-۱۳-۵ |
| | | | نتیجه توکل | احساس قدرتمندی، پیروزی در برابر دشمنان، نجات از عذاب الهی | A-۱۳-۳ |
| | | | ویژگی متوکلان | شجاع، عامل به وظیفه، مبارز طلب، دارای آرامش خیال، مطیع اوامر الهی، انتظار پاداش تنها از خداوند | A-۱۳-۶ |
| | | | لوازم توکل | عمل به وظایف محوله | A-۱۳-۲ |
| | | | ضرورت توکل به خداوند | به دلیل صفات خاص او (مدبّر، رازق، بازگشت همه به سوی اوست، رحیم، ودود، آگاه) | A-۱۳-۱ |

۵. یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از تحلیل محتوای مجموعه آیات متضمن مفهوم توکل در قرآن کریم نشان می‌دهد که پربسامدترین موضوع در میان موضوعات اصلی، مقوله کارکرد توکل است. البته در آیات قرآن کریم به نتایج توکل، ویژگی‌های متوکلان، لوازم توکل و معرفی خداوندی که می‌بایست به او توکل شود نیز پرداخته شده، ولیکن بیشترین فراوانی آیات قرآن کریم به موضوع کارکردهای توکل اختصاص دارد. بی‌شک، کثرت فراوانی این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت آن از منظر خداوند متعال بوده و شایستگی و ضرورت این پژوهش را تبیین می‌کند.

بررسی موضوعات فرعی مطرح شده ذیل موضوع اصلی کارکردهای توکل نشان می‌دهد که مجموعه این موضوعات فرعی را می‌توان در سه دسته کلی: مواجهه با دشمنان، مواجهه با دوستان و مواجهه با قضا و قدر الهی دسته‌بندی نمود. کارکردهای توکل در مواجهه با دشمنان را نیز می‌توان به سه دسته: در مواجهه با کفار و مشرکان، در مواجهه با منافقان و در مواجهه با اهل کتاب تقسیم نمود. حتی بخش اهل کتاب را نیز می‌توان به دو گروه یهود و نصاری تقسیم نمود. از آنجا که هرکدام از این گروه‌ها، متضمن آیات مخصوص به خود هستند، لذا به تفکیک آیات هرکدام در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پیش از ادامه بحث لازم به ذکر است که در جدول فراوانی‌ها، کارکرد توکل در هنگام مواجهه با کفار و مشرکان، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده اهمیت توکل در شرایط و مواقع خاص و دشوار مواجهه با این دو گروه است. نمودار ذیل گویای این مطلب است:



الف) کارکردهای توکل در مواجهه با کفار و مشرکان

توکل در قرآن کریم در زمان‌های گوناگون و در مواجهه با افراد مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. خداوند متعال در جای‌جای قرآن و در هنگام وقوع شرایطی سخت و دشوار، دستور به توکل داده و از مؤمنان خواسته است تا در مواجهه با مشرکان و کفار که دارای نیرو و توان بسیار بالایی هستند، با توکل بر خداوند، قدرتمند شده و در برابر آنان بایستند. آیات مربوط به بحث کارکردهای توکل در برابر مشرکان و کفار را به‌طور کلی می‌توان به سه گروه دسته‌بندی کرد:

۱. بخش اول آیاتی که بیانگر تلاش‌های انبیاء در امر هدایت مردم است که با شکست مواجه شده و هدایت ناپذیری قوم آنان واضح گشته است. در این موقعیت، انبیاء از آنان روی گردان شده و اعلام برائت می‌نمایند. این بخش با عنوان «برائت انبیاء از کافران و مشرکان هدایت ناپذیر» نام‌گذاری شده است.

۲. بخش دوم آیاتی است که به اطمینان بخشی و تسلی خاطر دادن خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان پرداخته و در واقع خداوند با امر به توکل، به آن‌ها آرامش و دلگرمی داده و حمایت خود را از ایشان اعلام می‌دارد. این بخش نیز با عنوان «اطمینان بخشی به مؤمنان» نام‌گذاری شده است.

۳. بخش سوم آیاتی است که به معرفی منبع قدرت و اقتدار مؤمنان به‌عنوان دلیلی برای توکل آنان اشاره کرده است. این بخش نیز با عنوان «معرفی منبع قدرت مؤمنان» نام‌گذاری شده است. در ادامه هر بخش به‌طور مجزا بررسی شده و اگرچه که در هر آیه ممکن است، جمع دو یا هر سه بخش دیده شود و دارای هم‌پوشانی باشند؛ اما محور اصلی آیه مدنظر قرار گرفته است.

۱. برائت انبیا از کافران و مشرکان هدایت ناپذیر: از تحلیل کیفی آیات قرآن

کریم چنین برداشت می‌شود که اعلام برائت انبیا از مشرکان و کفار و توکل به خداوند پس‌از آن، زمانی بوده است که بارها ندای حق را شنیده و مورد دعوت به راه راستی شده‌اند، ولیکن با عناد و از سر عداوت، تن به این راه نداده و به مخالفت با پیامبران الهی برخاسته‌اند. در برابر چنین افرادی، انبیا بدون هیچ ملاحظه‌گری و مدارایی از آنان اعلام بیزاری کرده و سپس به خداوند متعال توکل کرده‌اند. در ادامه چند نمونه از این آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱) مهم‌ترین آیه شاخصی که به کارکرد توکل در مواجهه با کافران و مشرکان هدایت ناپذیر برای اعلام برائت انبیاء از ایشان، اشاره دارد، آیه ۷۱ سوره یونس است. در این آیه حضرت نوح (ع) در برابر مشرکان و بی‌ایمانی و تمسخرهای پی‌درپی آنان، بعد از ناامیدی از هدایت‌پذیری‌شان می‌فرماید: «يَا قَوْمِ اِنَّ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكُرِي بِآيَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمَعُوا اَمْرَكُمْ

وَشُرَكَاءِكُمْ لَمْ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْبَضُوا إِلَيَّ وَلَا تَنْظُرُونِ» (یونس: ۷۱).

باید پرسید که چه نیرو و قدرتی حامی نوح است که در آن شرایط سخت و اقل نیرو و یاور، با چنین اقتداری از دشمنانش می‌خواهد که با تمام توان بر او بتازند و مهلتش ندهند؟! در این آیه به‌طور واضح مشخص است که تنها دلیل این قدرت، توکل بر خداوند است. حضرت نوح (ع) در این آیه شریفه قوم خود را تهدید می‌کند به اینکه هر بلایی که می‌تواند بر سر او بیاورد و اظهار می‌کند که پروردگارش قادر بر دفع آنان از وی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۵۰). این سخن یکی از معجزات نوح (ع) بود که با وجود آنکه تک‌وتنها بود و افراد اندکی بدو ایمان آورده بودند، با این حال خبر داد که آنان قادر بر قتل او نیستند و نمی‌توانند گزندى به وی برسانند، چون خداوند حافظ و نگهبان او است (طبرسی، بی‌تا، ۱۱: ۳۳۲). انبیا با توکل به خدا، قدرت‌های مخالف را تحقیر کرده و به مؤمنان شجاعت داده و همه قدرت‌ها را پوچ می‌دانستند. نوح (ع) نیز مانند پیامبر اسلام (ص) بعد از انجام وظیفه و تلاش برای هدایت مردم و عدم هدایت‌پذیری آنان، از آن‌ها براءت جسته و جدایی مسیر خود را از راه آن‌ها اعلام می‌کند.

۲) آیه دیگری که به کارکرد توکل در مقابل مشرکان و اعلام براءت انبیا از ایشان اشاره دارد، در گفتگوی حضرت شعیب (ع) و قومش نمایان است؛ جایی که از قومش می‌خواهد دعوتش را بپذیرند ولیکن قوم او به مخالفت برخاسته و در نهایت شعیب (ع) در این راه دشوار بر خداوند توکل کرده و از او طلب یاری دارد: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود: ۸۸). شعیب (ع) نیز پس از انجام وظیفه رسالت و ابلاغ پیام خداوند به آنان، قومش را به حال خود رها کرده و از آنان اعلام جدایی می‌کند: «وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ» (هود: ۹۳). این آیه نشان می‌دهد که آن حضرت از قوم خود ناامید شده بود (طبرسی، بی‌تا، ۱۲: ۱۱۵). در عین حال این تهدیدی است از جانب شعیب (ع) به مردم قومش به شدیدترین تهدیدها، چون سخن او اشعار دارد بر اینکه نسبت به گفتار و تهدیدش اطمینان کامل دارد و هیچ اضطرابی از کفر مردم به او و تَمَرُدشان از دعوت وی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۵۶۲).

در جای دیگر نیز شعیب (ع) با اعلام توکل بر خداوند، براءت از آنان را پررنگ‌تر ابراز می‌کند: «عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» (الاعراف: ۸۹) و برای اینکه به آن‌ها بفهماند از تهدیدهایشان هراسی ندارد و محکم بر جای خود ایستاده است، می‌گوید: توکل و تکیه ما تنها به خداست و سرچشمه قدرت ایستادگی خود را تنها تکیه بر

خداوند متعال معرفی می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۶: ۲۵۶).

در تحلیل و جمع بندی این بخش باید گفت در تمام آیاتی که انبیا از کفار و مشرکان اعلام برائت نموده و روی گردان شده اند، نکته حائز اهمیت آن است که آنان ابتدا به وظیفه و مسئولیت خویش عمل کرده و با تمام نیرو و توان خود سعی در هدایت مردم کرده اند نه آنکه تنها اظهار برائت کرده و قبل از انجام رسالت و وظیفه، تنها با شعار توکل بر خداوند، شانه از مسئولیت خالی کنند. این مطلب نشان می دهد معنای توکل گوشه گیری و انفعال نیست، بلکه در کنار اعلام برائت صریح و موضع گیری شدید نسبت به مشرکان، می بایست به انجام وظیفه پرداخت (قرآنی، ۱۳۸۳، ۵: ۵۸۱). به همین دلیل اندیشمندان اسلامی متذکر این نکته شده اند که یکی از اشتباهات در باب توکل، خلط میان «توکل در سرنوشت» و «توکل در وظیفه» است. در باب وظیفه، توکل همان اطاعت است و باید کار به منظور اطاعت و به منظور امتثال امر انجام گیرد. این اشتباه است که به جای توکل در سرنوشت، در وظیفه توکل شود. در این حال است که خداوند متوکل را مورد حفاظت خود قرار می دهد (مطهری، بی تا، ۲۷: ۳۸۳).

۲. اطمینان بخشی به مؤمنان: در دسته ای دیگر از آیات مشاهده می شود که توکل

در هنگام مواجهه با کفار و منافقان، برای آرامش دهی و اطمینان خاطر به پیامبران الهی مطرح می شود و خداوند متعال برای القای سکینه و امید پیروزی در دل ایشان، دستور توکل داده و کفایت خودش را به ایشان گوشزد می نماید. برخی از این آیات بدین شرح است:

۱) در اولین نمونه، خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) توصیه می نماید که از کافران تبعیت نکرده و با اعلام برائت از آنها، به خداوند توکل کند چرا که خداوند برای او کافی است و کفایت می کند: «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً» (الاحزاب: ۴۸). تاریخ اسلام نشان می دهد که بارها کافران یا گروه هایی از منافقان کوشیده اند با دادن امتیازاتی به پیامبر اسلام (ص)، او را تطمیع کرده و از ادامه راه خطیر رسالت بازدارند. مسلم است همه آنها دام های خطرناکی بود بر سر راه پیشرفت سریع اسلام و ریشه کن شدن کفر و نفاق و اگر پیامبر (ص) در برابر یکی از این پیشنهادها انعطاف و نرمش به خرج می داد، پایه های انقلاب اسلامی فرومی ریخت و تلاش ها هرگز به نتیجه نمی رسید.

در چنین موقعیتی خداوند برای ایجاد سکینه و قوت قلب پیامبر به ایشان می فرماید: اعتنایی به آزارهای آنها مکن، بر خدا توکل نما و همین بس که خدا حامی و مدافع تو است. چنین عبارتی نشان دهنده شدت اذیت و آزار کفار و منافقان است که خداوند برای تسلی پیامبر (ص) خود را

حامی و کافی برای ایشان معرفی می‌کند. بی‌اعتنایی به آزار و اذیت دشمنان به معنای سستی و کوتاهی در برخورد با آنان نیست، بلکه به معنای توکل و امیدواری به رحمت الهی و دلسرد نشدن از برخوردهای آنان است.

۲) در آیه دیگر خداوند عموم مؤمنان را مخاطب ساخته و آنان را به یاد نعمت‌ها و دفع نیرنگ دشمنان انداخته و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده: ۱۱). در واقع این آیه بیانگر آن است که اگر بر خداوند تکیه کنید، نصرت و یاری خود را از شما دریغ ننموده و شما را همان‌طور که در گذشته مورد لطف و حمایت قرار داده، یاری خواهد کرد. مردم مؤمن باید به نصرت خداوند، توکل جویند که او یاور آنها است و آنها را کفایت می‌کند. از همین‌جا روشن می‌شود که مراد از «توکل» چیزی است که شامل امور تشریحی و تکوینی می‌شود یا حداقل مختص به امور تشریحی است، به این معنا که خدای تعالی مؤمنین را دستور داده به اینکه خدا و رسول را در احکام دینی اطاعت کنند و آنچه را که پیامبرشان آورده و برایشان بیان کرده، بکار ببندند و امر دین و قوانین الهی را به خدای تعالی که پروردگارشان است محول نموده و به وی واگذار کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵: ۳۸۹). روشن است که منظور از توکل این نیست که انسان به بهانه واگذاری کارش به خدا، شانه از زیر بار مسئولیت‌ها خالی کند یا تسلیم حوادث گردد، بلکه منظور این است که در عین بکار گرفتن تمام قدرت و نیرو، اولاً توجه داشته باشد که آنچه دارد از خود او نیست و از ناحیه دیگری است و به این وسیله روح غرور و خودبینی را در خود بکشد و ثانیاً هرگز از بزرگی حوادث و مشکلات نهراسد و مأیوس نشود و بداند تکیه‌گاهی دارد که قدرتش بالاترین قدرت‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴: ۳۰۶).

۳) در آخرین آیه سوره هود نیز بعد از بیان سرگذشت اقوام پیامبران و در حقیقت خاتمه دادن به احتجاج و نوعی تهدید که در داستان‌های گذشتگان از قبیل داستان نوح (ع) و هود (ع) و صالح (ع) و شعیب (ع) بازگو شده آمده است که: «وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ* وَانْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (هود: ۱۲۱-۱۲۲). این آیات مربوط به کافران است که خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد احتجاج و بگومگویی با ایشان را خاتمه داده و آخرین حرف را به ایشان بگوید و پس از آن همه موعظه و آوردن داستان‌های گذشتگان، بفرماید: حال اگر ایمان نمی‌آورید و از شرک و فساد دست برنمی‌دارید، پس هرچه می‌خواهید بکنید و در موقعیت و وضعی که دارید، هرچه را برای خود خیر تشخیص می‌دهید، انجام دهید. ما نیز کار

خود را می‌کنیم و انتظار می‌بریم روزی را که عاقبت، عملتان به استقبالتان آید. به زودی خواهید فهمید که آنچه ما از اخبار الهی می‌گفتیم راست بود یا دروغ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۹۶). در اینجا پیامبر اکرم (ص) پس از سعی برای هدایت مشرکان و عدم هدایتشان از آنان، روی گردان شده و اعلام جدایی مسیر می‌نماید. سپس در برابر مشرکان به پیامبر (ص) دستور توکل بر خداوند داده می‌شود تا علاوه بر اطمینان قلبی، امید پیروزی نزدیک در دل ایشان روشن گردد: «فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (هود: ۱۲۳).

در تحلیل و جمع‌بندی این آیات نیز باید گفت معنای آیات مذکور این است که انسان‌ها وظیفه‌دارند به کار و تلاش خود پرداخته و رسالت خود را انجام دهند و بدانند که غیب آسمان‌ها و زمین که عاقبت امر همه انسان‌ها در آن نهفته است، به دست پروردگار عالمیان است، نه آنچه در دست دیگران است. در مجموع این آیات تلاش شده به پیامبران (ع) و مؤمنان اطمینان خاطر داده شود که خداوند کفایت امور آن‌ها را خواهد کرد، لذا با تمام اقتدار و از موضع قدرت به انجام وظایف خود پرداخته و در صورت اعراض مشرکان، از آنان روی گردان شده و نگران وضعیت خود نباشند. چنین احساس قدرت و اقتداری نتیجه تکیه بر خداوند و سپردن نتیجه کار بر اوست که از آیات فوق‌الذکر برداشت می‌شود.

۳. معرفی منبع قدرت متوکلان: هرگاه توکل به مفهوم صحیح کلمه در جان انسان پیاده شود، به یقین امیدآفرین، نیروبخش و باعث تقویت اراده و تحکیم مقاومت و پایداری است. مسئله توکل در زندگی انبیای بزرگ الهی، درخشش فوق‌العاده‌ای دارد. بررسی آیات قرآنی در این زمینه نشان می‌دهد که آن‌ها همیشه در برابر مشکلات طاقت‌فرسا خود را زیر سپر توکل قرار داده و یکی از دلایل مهم پیروزی آن‌ها، داشتن همین فضیلت اخلاقی بوده است. به عبارت دیگر مهم‌ترین منبع قدرت متوکلان، توکل به خداوند متعال معرفی شده است که نمونه‌های آن بدین شرح است:

۱) حضرت موسی (ع) به قوم خود می‌گوید که ای قوم، اگر چنانچه به خدای تعالی ایمان دارید - که البته دارید - و اگر تسلیم امر خدا هستید، پس بر خدا توکل کنید، چرا که تنها منبع قدرت لایزال، خداوند متعال است: «وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» (یونس: ۸۴) بنی اسرائیل نیز در پاسخ دعوت موسی (ع) می‌گویند بر خدا توکل می‌کنیم و سپس دعا کردند که پروردگارا ما را فتنه مردم ستمکار مکن: «فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (یونس: ۸۵). از این آیه معلوم می‌شود دعای آنان،

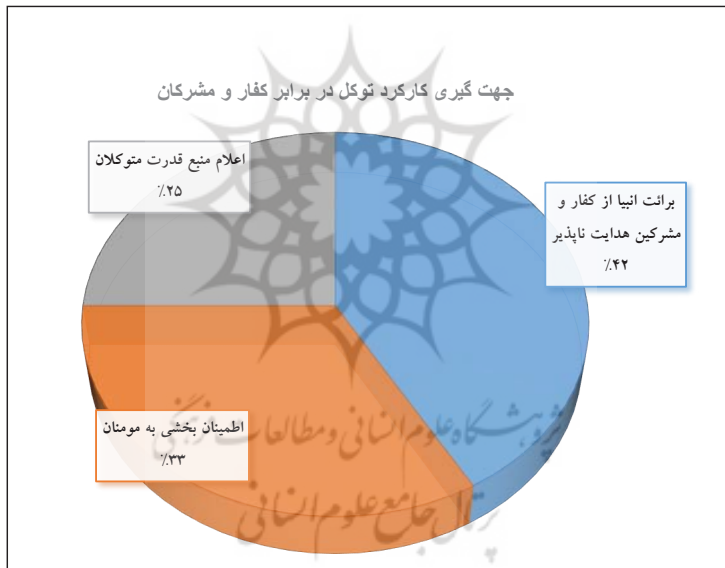
نتیجه توکلی بوده که بر خدای تعالی کردند و آن دعا این بود که اولاً لباس ضعف و ذلت را از تن آنان برکنند و ثانیاً آن‌ها را از قوم ستمکار نجات دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۶۷). موسی (ع) و پیروانش با اعلام توکل بر خدا سرچشمه قدرت خویش را اعلام داشته و آن را عامل مبارزه و پایبندی بر عقیده خویش بیان می‌کنند.

۲) در اواخر سوره ملک نیز مشاهده می‌شود که مؤمنان، منبع و سرچشمه قدرت خود و تمام امید و تکیه‌گاه خود را خداوند رحمن معرفی می‌کنند: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكِنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۸) قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الملک: ۲۹). در این آیه به‌طور قاطع کفار را تهدید می‌کند به اینکه هلاک شدن یا نشدن مؤمنان هیچ سودی به حال آن‌ها ندارد و عذاب الهی به‌طور قطع به شما خواهد رسید. آن خدایی که پیامبران الهی، شما را به توحید او می‌خوانند، همان رحمانی است که رحمتش همه‌چیز را فرا گرفته و می‌بایست به او ایمان آورده و بر او توکل کنیم. در آیه به‌وضوح دیده می‌شود که پیامبر (ص) منشأ قدرت و اعتماد خود را خداوند می‌داند و در برابر مشرکان آن را اعلام می‌دارد و می‌فرماید: ایمان آوردیم به رحمان و مثل شما به او کفر نورزیدیم. آنگاه فرمود بر او توکل کردیم و توکل نکردیم بر آنچه شما بر آن توکل نمودید. شما به رجال و اموالتان توکل کردید و ما بر خدای رحمان (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ۴: ۵۸۳).

تحلیل و جمع‌بندی این آیات نشان می‌دهد مؤمنان اگر به خدا ایمان آورده‌اند و او را ولی و وکیل و سرپرست خود برگزیده‌اند، به دلیل اعتماد به رحمت عام الهی بوده که رحمتش همه‌جا را فرا گرفته و فیض انعامش، شامل حال همگان شده است. در عین حال رحیمیت خاص او ویژه مؤمنان بوده و به همین دلیل، او حامی و وکیل مؤمنان است. این آیات در عین آنکه منبع قدرت مؤمنان را خداوند متعال معرفی می‌نماید، به نفی دیگر منابع قدرت دروغین همانند الهه‌ها و معبودهای مشرکان پرداخته و آن‌ها را خالی از توان و قدرت معرفی می‌کند که اصلاً قابل قیاس با توان و قدرتی که مؤمنان بر آن تکیه‌دارند، نیست.

این مطلب نشان‌دهنده اهمیت توکل بر خداوند در شرایط استراتژیک رویارویی با دشمنان دین است. در واقع انبیاء در مواجهه با کفار و مشرکان، با توکل بر خداوند، به اعلام برائت از مشرکان می‌پردازند؛ برائتی قاطع که از اختلاف عقیده سرچشمه گرفته باشد. انبیا بعد از تلاش برای هدایت کفار و مشرکان و ناکامی در این امر، در برابر شرک و کفر آنان ایستادگی کرده و در برائت از کفار و مشرکان کوچک‌ترین اغماضی به خرج نمی‌دادند. این اعلام برائت با صدایی

بلند و قاطع و از سر قدرت و اقتدار است و بویی از مدارا و نرمش از آن به مشام نمی‌رسد. درعین حال خداوند در شرایط سخت، مؤمنان را تنها نگذاشته و با آغوشی باز آنان را موردحمایت قرار می‌دهد و با امر به توکل در قلب‌هایشان ایجاد سکینه و آرامش می‌نماید تا با قوای هرچه بیشتر در برابر کفر و شرک دشمنانشان ایستادگی کنند. مؤمنان نیز در برابر دشمنان در عین کمبود نیرو و توان، قدرت خود را فراتر از امور مادی معرفی کرده و از اتصال به قدرتی ورای تمامی قدرت‌ها دم می‌زنند و این احساس قدرت توأم با آرامش خیال‌زا مرهون توکل بر خداوند می‌باشند. درنهایت نمودار سنجش فراوانی هرکدام از دسته‌های بخش کارکرد توکل در مواجهه با کفار و مشرکان به شرح ذیل است:



همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد، بسامد هر سه رویکرد، اختلاف کمی با همدیگر دارند که نشان‌دهنده اهمیت هر سه جهت‌گیری و درعین حال لزوم توجه بیشتر به برائت از کفار و مشرکان هدایت‌ناپذیر و سپس اطمینان بخشی به مؤمنان است. البته در ادامه مسیر لازم است منبع قدرت مؤمنان و متوکلان نیز یادآوری شود تا مبادا متوکلان در توکل خود به خداوند متعال دچار ضعف و تردید شوند.

ب) کارکردهای توکل در مواجهه با منافقان

بخش دیگری از آیات قرآن کریم که به بیان کارکردهای توکل به خداوند می‌پردازد، به نظر می‌رسد اختصاص به پیامبر اکرم (ص) داشته باشد چرا که به ایشان توصیه می‌کند در برابر منافقان و اذیت‌ها و توطئه‌چینی آنان، به خداوند توکل کند. خداوند نیز برای ایجاد آرامش در قلب حضرت (ص) و همچنین اعلام حمایت از پیامبرش، خود را تکیه‌گاه ایشان معرفی نموده است. البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که اگرچه پیامبر اکرم (ص) مورد خطاب آیات است، ولیکن منظور ارائه راه‌حلی برای تمام مؤمنان در تمام اعصار و قرون است. در این بخش ۸ آیه وجود دارد که تنها به ۲ نمونه اکتفا می‌شود:

(۱) در برخی آیات به توطئه‌چینی و شایعه‌پراکنی منافقان اشاره شده و به پیامبر اکرم (ص) امر شده است در برابر منافقان، به خداوند توکل کند تا نقشه شوم آنان را برملا نماید: «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳). در این آیه کلمه ناس اول اشاره به منافقان داشته و منظور از ناس دوم، دشمنان است. منافقان که از یاری اسلام مضایقه می‌کردند، به منظور اینکه مسلمانان را از رفتن به جنگ بازدارند و سست کنند، به ایشان می‌گفتند که دشمنان جمعیت بسیاری برای جنگ با شما جمع کرده‌اند و شکست شما قطعی است. در برابر این نقشه شوم، دستور خداوند به مؤمنان، توکل به خداوند است تا ماهیت حقیقی این نقشه شوم را آشکار کند. نکته مهم آنکه چنین توکلی، عامل افزایش ایمان و قدرت دانسته شده که در نهایت باعث پیروزی مسلمانان می‌گردد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۹۹).

(۲) در آیه‌ای دیگر به نقشه دیگری از منافقان برای تحریک جامعه اسلامی جهت پذیرش درخواست‌های دشمنان اشاره کرده و در برابر این نقشه شوم، مجدداً خداوند متعال، مؤمنان را امر به توکل نموده است تا ماهیت این نقشه شوم نیز برملا شود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ... وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلاً» (الاحزاب: ۱-۳). کفار از رسول خدا (ص) چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدای سبحان نبود. منافقین هم که در صف مسلمانان بودند، کفار را تأیید می‌کردند و از آن جناب به اصرار می‌خواستند تا پیشنهاد کفار را بپذیرد و آن پیشنهاد، امری بود که خدای سبحان به علم و حکمت خود برخلاف آن حکم رانده بود و وحی الهی هم برخلاف آن نازل شده بود. گرچه مخاطب در این آیات شخص پیامبر (ص) است، ولی پیداست که دستوری است برای همه مؤمنان و همه مسلمانان جهان و نسخه‌ای است

نجات بخش و حیات آفرین برای هر عصر و هر زمان. مشرکان و منافقان بارها کوشیدند تا با طرح پیشنهادهای سازشکارانه، پیامبر گرامی اسلام (ص) را از خط توحید منحرف سازند، اما نخستین آیات سوره احزاب نازل شد و به توطئه آنها پایان داد و پیامبر (ص) را به ادامه روش قاطعانه اش در خط توحید، بدون کمترین سازش دعوت نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۱۸۹).

در تحلیل و جمع بندی این دسته از آیات باید گفت که خداوند متعال در هنگام مواجهه با نافرمانی و رویگردانی منافقان، به همه اعضای جامعه اسلامی اعم از رهبران و مسئولان و مردم عادی، دستور توکل داده است. پیامبر اسلام (ص) در طول دعوت خویش با افرادی مواجه بودند که دائماً نافرمانی کرده و موجبات ناراحتی و اضطراب را در ایشان فراهم می نمودند. اشخاصی که ظاهراً مسلمان و در باطن کافر بودند و سعی در توطئه چینی در راه از بین بردن مسیر هدایت داشتند. در این آیات یکی از راهکارهای چگونگی مواجهه با منافقان با عنوان توکل کردن به خداوند برای افشای ماهیت نفاق آنان و آشکار شدن نقشه هایشان، معرفی شده است. خداوند متعال پیامبرش را تسلی داده و خود را وکیل حضرت معرفی می نماید و ایشان را مطمئن می سازد که توطئه و نافرمانی منافقان در روند هدایت و گسترش اسلام اثری ندارد.

ج) کارکردهای توکل در مواجهه با اهل کتاب

بخش دیگر از کارکردهای توکل در قرآن کریم به چگونگی مواجهه با اهل کتاب اختصاص دارد. در اینجا کارکردهای توکل در مواجهه با اهل کتاب در دو بخش مجزا ارائه می شود:

۱. کارکردهای توکل در مواجهه با یهودیان: قرآن کریم، یهودیان را به صراحت، اهل کتاب خوانده و نام کتابشان یعنی تورات را بارها ذکر نموده است و در مواردی به جامعه مؤمنان امر نموده در برابر دسیسه ها و نقشه های آنان، به خداوند متعال توکل کنند. قرآن کریم در رابطه با این گروه از یهودیان بنی اسرائیل پس از ذکر وقایعی که برایشان روی داده و آنچه باعث سرگردانی و آوارگی شان در بیابانها شده، به جامعه مؤمنان توصیه می کند که در برابر این مخالفت ها که ریشه تاریخی در یهودیان دارد، به خداوند متعال توکل کنند تا در نهایت حقیقت بر همگان آشکار شود چون تنها خداوند متعال حقی آشکار و مبین است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقْضُ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ... فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ» (النمل: ۷۶-۷۹).

بنی اسرائیل فرزندان یعقوب (ع) هستند که به قوم یهود معروف شده و طبق پیشگویی های

تورات، منتظر پیامبر آخرالزمانی بودند که در حجاز ظهور خواهد کرد. آنان سال‌ها پیش از تولد پیامبر (ص) در یثرب ساکن شده و منتظر شواهدی از ظهور ایشان بودند. قوم یهود با وجود آن که سال‌های متمادی در انتظار پیامبر موعود بودند، ولیکن بعد از ظهور ایشان، دست به عداوت و دشمنی زده و جز عده کمی از آنان که به دین حق گرویدند، مابقی به آزار و اذیت مسلمانان پرداختند تا آنجا که خداوند متعال، آن‌ها را دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان معرفی می‌نماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (المائده: ۸۲).

قرآن کریم یکی از راه‌های مواجهه با دشمنی و مخالفت‌های یهودیان را توکل بر خداوند معرفی می‌کند چرا که سرانجام همه آن‌ها می‌بایست برای داوری و قضاوت در روز قیامت نزد خداوند متعال حاضر شوند و پروردگار عالمیان در آن روز به حق میان آنان و مسلمانان، داوری خواهد کرد. اینکه خداوند متعال پس از دستور به توکل کردن بر او، خودش را خدایی بر حق و آشکارکننده حقایق نامیده: «إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ» مشخص می‌شود که مهم‌ترین راهکار آشکار نمودن حقایق در مواجهه با دسیسه‌های یهودیان، توکل به خداوند و اعتماد به او و استقامت در مسیر حق است. قطعاً کسی که بر حق است، بیشتر شایسته توکل است تا کسی که بر باطل است. لذا این خطاب اگرچه به پیامبر است، ولی مقصود سایر مؤمنان نیز است. مؤمنان از آنجا که در تکالیف با پیامبر خدا اشتراک دارند، باید اهل توکل باشند. بدیهی است که توکل هم مراتب شدید و ضعیف دارد و هر کس ایمانش کامل‌تر است، توکلش بیشتر است (طبرسی، بی تا، ۱۸: ۱۴۱).

۲. کارکردهای توکل در مواجهه با نصاری: یکی از القاب اختصاصی مسیحیان

در قرآن کریم، نصاری است. مسیحیت را نصرانیت نیز می‌نامند چرا که منصوب به «ناصره»، اولین روستایی است که حضرت مسیح (ع) دعوت خویش را از آنجا آغاز نمود. از این رو شخص مسیحی را نصیری یا نصرانی نیز می‌گویند (الجندی، ۱۹۶۹م، ۱: ۷۶). محوری‌ترین منازعه قرآن با مسیحیت بر سر الوهیت حضرت عیسی (ع) است. قرآن کریم با صراحت و شدت، فرزند خدا بودن عیسی (ع)، تثلیث و الوهیت او را نفی می‌کند و در مقابل او را بنده‌ای از بندگان خدا و پیامبری مانند دیگر پیامبران معرفی می‌نماید. از آنجا که مسیحیان بر این اعتقادات انحرافی خود بسیار پافشاری داشتند، لذا خداوند متعال پس از آنکه در آیات متعدد به نفی و ابطال عقاید انحرافی آنان پرداخته، در نهایت مسلمانان را به توکل بر خداوند توصیه کرده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ

أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (النساء: ۱۷۱).

در آیه فوق به نفی عقیده تثلیث پرداخته شده است. تثلیث یکی از اعتقادات مهم مسیحیت است که اساس مسیحیت کنونی یا به تعبیر دیگر «مسیحیت بعد از مسیح» و «راز نخستین» دانسته شده و بیان می‌کند که مسیح، پسر خدا بوده و در کنار روح القدس، به گونه‌ای سه گانه به اداره امور جهان هستی می‌پردازند (حقی و صدوقی، ۱۳۹۶: ۸۳).

خداوند متعال در این آیه، مسیحیان را دعوت می‌کند به اینکه به خدا و آخرین رسول او یعنی پیامبر اکرم (ص) ایمان بیاورید، همان گونه که به یکی دیگر از رسولان او به نام عیسی (ع) ایمان آورده بودند. در مرحله دوم خداوند، مسیحیان را دعوت می‌کند به اینکه از سه خدا سخن نگویند، بلکه عیسی (ع) را یکی از بندگان و پیامبران الهی بدانند. در مرحله سوم نیز خداوند متعال آنان را دعوت می‌کند به پایان بخشیدن به همه عقاید انحرافی و خاتمه دادن به همه اختلافات میان ادیان آسمانی تا بدین ترتیب با جمع شدن بر محور توحید، قدرتمندترین حکومت آسمانی را تشکیل داده و زمینه‌های سعادت بشریت را فراهم آورند. نکته مهم آن است که پس از این سه مرحله بیان شده در آیه، خداوند در مرحله چهارم امر به توکل نموده است چراکه دستیابی به خیر و سعادت بدون استمداد از خداوند متعال که محور اصلی توحید است، میسر نیست.

در تحلیل و جمع‌بندی این بخش از مطالب نیز باید گفت در هر دو مورد مواجهه با یهودیان و مسیحیان، مشاهده می‌شود که توکل به خداوند در برابر عقاید و تحریف‌های اهل کتاب کارکرد داشته و نشان می‌دهد که برای ایستادگی در برابر این اعتقادات باطل و اختلافات، می‌بایست از خداوند متعال مدد گرفته و بر او که قدرت بی‌پایان است، تکیه کرد. خداوند برای تدبیر کل عالم کافی بوده و بر تمام امور مسلط است. همچنین وکالت تمام امور عالم از جمله انسان بر عهده اوست. لذا آوردن لفظ وکیل پس از بیان عقاید خرافی پیروان اهل کتاب، متضمن مفهوم تکیه و توکل بر خداوند در مواجهه با این ادیان و عقاید انحرافی آنان است.

د) کارکردهای توکل در مواجهه با عملکرد نادرست مسلمانان

تحلیل محتوای آیات توکل در قرآن کریم نشان می‌دهد که یکی دیگر از کارکردهای توکل در قرآن کریم، در برابر عملکرد نادرست مسلمانان و نیروهای خودی است.

به‌عنوان نمونه در جریان جنگ احد، خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که در برابر سوءظن مسلمانان، به خدا توکل نموده و در عین حال که از او می‌خواهد، مسلمانان خاطی را

بیخشد و برایشان طلب مغفرت کند، همچنان طبق روال گذشته با آنان در امور مربوطه مشورت نماید: «...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ* إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۵۹-۱۶۰). این آیه به عملکرد نادرست مسلمانان و توصیه خداوند بر توکل به او دلالت دارد و به جریان جنگ احد مربوط است.

این آیات در مورد تأسف و حسرتی است که مسلمانان پس از جنگ احد از کشته شدن برادران و پدرانشان در طول جنگ، در دل داشته و باعث سوءظن آن‌ها به خداوند متعال و پیروزی نهایی حق بر باطل شده بود. آن‌ها، پیامبر اکرم (ص) را مقصر اصلی شکست در جنگ احد دانسته و گمان می‌کردند به خاطر وجود آن حضرت، دچار شکست و ناکامی و از دست دادن برادرانشان شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۸۴؛ طبرسی، بی تا، ۴: ۳۱۷). در برابر چنین سوءظن‌هایی، خداوند به حضرت (ص) تسلی خاطر داده و با امر به توکل، آن حضرت را دعوت به آرامش می‌کند چراکه اثر توکل به خدا، یاری و عدم خذلان است.

همچنین خداوند متعال در مقابل حوادث و قضایایی که ناشی از عملکرد نادرست مسلمانان درون جامعه اسلامی بوده و نیز در مقابل رفتارهای نادرست مسلمانان، هم پیامبرش (ص) و هم عموم جامعه اسلامی را به توکل دعوت می‌کند و بیان می‌کند که یکی از بهترین راهکارهای مقابله با این عملکردهای نادرست، توکل به خداوند است. این مطلب نشان می‌دهد:

اولاً توکل به خداوند یک وظیفه عمومی بوده و همه انسان‌ها را شامل می‌شود. ثانیاً یکی از کارکردهای توکل به خداوند در مواجهه با عملکرد نادرست مسلمانان در شرایط گوناگون بوده و این امر باعث پرهیز جامعه اسلامی از تفرقه و اختلاف و درعین حال باعث ایجاد وحدت می‌شود، چراکه توکل به خداوند و اعتقاد به او، مهم‌ترین عامل ایجاد وحدت در جامعه اسلامی است.

ثالثاً توکل به خداوند برای هرکدام از گروه‌های اجتماعی اعم از رهبران و توده مردم، کارکردهای متفاوتی داشته و هر کس به میزان معرفت خود به خداوند می‌تواند از آن بهره بگیرد. رابعاً در این آیات بر این مطلب تأکید شده که ایمان به خداوند، هیچ‌گاه از توکل بر او جدا نبوده و مؤمنان باید در عین توکل به او، ایمان خود را نیز افزایش دهند. به هر میزان که معرفت و ایمان افراد به خداوند متعال زیاد شود، بهره آنان از توکل به او افزایش یافته و از حمایت الهی بیشتر برخوردار می‌شوند.

ه) کارکردهای توکل در مواجهه با قضا و قدر الهی

در میان آیات توکل، دسته‌ای دیگر از آیات به موضوع توکل بر خداوند در مواجهه با قضا و قدر الهی اشاره دارند. این آیات نشان می‌دهند که یکی از وظایف مؤمنان، توکل به خداوند و اعتماد به او در مواجهه با قضایایی است که خارج از کنترل عادی انسان‌ها بوده و فارغ از اراده بشری است. به‌عنوان نمونه کارکرد توکل در برابر مشکلات زندگی بروز پیدا می‌کند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (الطلاق: ۲-۳). اگرچه سیاق این آیات در مورد طلاق و احکام مربوط به آن نازل شده، ولیکن محتوای گسترده‌ای دارد که سایر موارد را نیز شامل می‌شود و وعده امیدبخشی است از سوی خداوند به همه پرهیزکاران و توکل‌کنندگان که سرانجام لطف الهی شامل حال آن‌ها می‌شود و آن‌ها را از مشکلات عبور می‌دهد و به سعادت می‌رساند. در متن آیه ذکر شده است که توکل به خداوند در این شرایط، سختی‌های معیشت را برطرف می‌سازد و ابرهای تیره‌وتار مشکلات را از آسمان زندگی آن‌ها کنار می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۴: ۲۳۶).

خدای سبحان که ولی و عهده‌دار سرپرستی بنده متوکل خویش است، او را از پرتگاه هلاکت بیرون می‌کشد و از طریقی که خود او پیش‌بینی آن را نمی‌کند، روزی می‌دهد. چنین بنده‌ای به خاطر اینکه بر خدای تعالی توکل کرده و همه امور خود را به او واگذار نموده، هیچ چیز از کمال و از نعمت‌هایی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می‌بیند، از دست نمی‌دهد. خلاصه آنچه را که امیدوار بود به‌وسیله سعی و کوشش خود به دست می‌آورد. البته آنچه برایش فراهم می‌شود، همان چیزی است که خدای تعالی برایش فراهم نموده چون به وی توکل نموده است. کسی که بر خدا توکل کند، خدا همه‌کاره او می‌شود. این در حالی است که هیچ سببی از اسباب ظاهری این‌گونه نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۲۹: ۱۹).

در تحلیل و جمع‌بندی باید گفت، در تمام امور زندگی قضایا و مشکلات آن، تنها راه نجات و ایجاد آرامش، تکیه بر یگانه قدرت هستی است. نیرویی که توان به سرانجام رساندن امور را داشته باشد و قدر و اندازه هر چیز به دست خود او رقم بخورد. در چنین حالی است که آدمی با اطمینان خاطر و آرامش واقعی می‌تواند کارها و امور زندگانی خویش را به دست او سپرده و تمام توان و قوای خویش را تنها در راه انجام وظایف خود بکار گیرد و درعین حال هیچ نگرانی و اضطرابی از مشکلات و سختی‌های راه به خود راه ندهد. تقوا و توکل به خدا، دو اهرم برای خروج از بن‌بست هستند. برای تأمین زندگی امروز، تقوا و برای تأمین زندگی آینده، توکل لازم

است. در اراده و خواست تمام افراد و حکومت‌ها، احتمال شکست و ناکارآمدی و بن‌بست وجود دارد. تنها امری که شکست در آن راه ندارد، خواست و اراده خداوند است.

۶. نتایج تحقیق

۱. نتایج حاصل از تحلیل محتوای مجموعه آیات متضمن مفهوم توکل در قرآن کریم نشان می‌دهد که مجموعه این آیات به پنج مقوله مهم می‌پردازند: کارکردهای توکل، ضرورت توکل، لوازم و مقدمات توکل، نتایج توکل و ویژگی‌های متوکلان.
۲. پربسامدترین موضوع در میان موضوعات اصلی آیات توکل در قرآن کریم، موضوع کارکردهای توکل است که فراوانی آن به ۳۱٪ از مجموعه کل آیات می‌رسد.
۳. بخش کارکردهای توکل در قرآن کریم نشان می‌دهد که موضوعات فرعی این بخش نیز به پنج دسته قابل تقسیم هستند: کارکردهای توکل در مواجهه با کفار و دشمنان، منافقان، اهل کتاب، عملکرد نامناسب مسلمانان و کارکردهای توکل در مواجهه با قضا و قدر الهی.
۴. کارکردهای توکل در مواجهه با کفار و دشمنان بر سه دسته تفکیک می‌شوند: برائت انبیا از کافران و مشرکان هدایت ناپذیر، اطمینان بخشی به مؤمنان، معرفی منبع قدرت متوکلان. مهم‌ترین محتوایی که در این بخش بیان شده، تلاش برای انجام کامل و تمام‌عیار رسالت و وظیفه خود برای تبلیغ دین و درنهایت توکل به خداوند پس از مواجهه با کافران معاند و هدایت ناپذیر است.
۵. در بخش کارکردهای توکل در مواجهه با منافقان، مهم‌ترین محتوایی که در آیات مختلف بر آن تأکید شده، صبر و توکل به خدا در برابر کینه‌جویی‌ها و لجاجت‌ها و توطئه‌چینی‌های منافقان است. توصیه قرآن کریم این است که به‌جای مقابله مستقیم با منافقان که نتیجه آن ایجاد تفرقه در جامعه است، با توکل به خداوند، بر وحدت عمومی مسلمانان تأکید شود.
۶. کارکردهای توکل در مواجهه با اهل کتاب نیز به دو بخش در مواجهه با یهودیان و نیز در مواجهه با نصاری تقسیم می‌شود که مهم‌ترین موضوع آن، مبارزه با عقاید انحرافی و تحریفاتی است که اهل کتاب در ادیان آسمانی وارد کرده‌اند. در مواجهه با این گروه‌ها نیز خداوند متعال دستور به توکل داده است.
۷. مهم‌ترین محتوای تبیین شده در بخش کارکردهای توکل در مواجهه با عملکرد نامناسب مسلمانان و قضا و قدر الهی نیز تلاش برای حفظ آرامش در جامعه، پرهیز از اختلاف و کینه‌جویی، پرهیز از سوءظن به خدا و پیامبر، دعوت به وحدت با تمسک به تقوا و ایمان به خداوند است.

فهرست منابع

- *قرآن کریم (۱۳۷۳ ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۱- ابن فارس، محمد بن علی، (۱۳۹۹ ق)، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالفکر.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ۳- باردن، لورنس، (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- جندی، علی، (۱۹۶۹ م)، فی تاریخ الادب الجاهلی، مصر، دارالعلم.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم.
- ۶- زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر.
- ۷- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتاب.
- ۸- سعیدی حسینی، معصومه السادات، (۱۳۹۸)، تحلیل محتوای آیات توکل در قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء(س).
- ۹- شیر، سید عبدالله، (۱۳۷۸)، الاخلاق، قم، نشر هجرت.
- ۱۰- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.
- ۱۲- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث.
- ۱۳- عترت دوست، محمد، (۱۴۰۱)، آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی، تهران، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- ۱۴- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، العین، قم، موسسه دارالهجره.
- ۱۵- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- ۱۶- قرشی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران، حکمت.
- ۱۷- کریندروف، کلوس، (۱۳۸۷)، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، تهران، سروش.
- ۱۸- محمدی مهر، غلامرضا، (۱۳۸۹)، روش تحلیل محتوا، تهران، دانش نگار.
- ۱۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ۲۱- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۳ ق)، جامع السعادات، بیروت، اعلمی.
- ۲۲- هولستی، آل. آر، (۱۳۹۱)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

REFERENCES

- * The Holy Qur'an (1373), translated by: Nasser Makarem Shirazi, Qom, Department of Islamic History and Education Studies.
1. Ibn Faris, Muhammad bin Ali, (1399 AH), Mu'jam Maqayis al-Lughah, Beirut, Dar al-Fikr.
 2. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Sadir.
 3. Barden, Lawrence, (1375), Content Analysis, translated by: Maliha Ashtiani and Mohammad Yamani Doozi, Tehran, Shahid Beheshti University.
 4. Jundi, Ali, (1969), Fi Tarikh al-Adab al-Jahili, Egypt, Dar al-Ilm.
 5. Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH), al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam.
 6. Zubaidi, Murteza, (1414 AH), Taj al-Aroos Min Jawahir al-Qamoos, Beirut, Dar al-Fikr.
 7. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, (1407 AH), Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wojouh al-Ta'wil, Beirut, Dar al-Kitab.
 8. Saeidi Hosseini, Masoumeh Al-Sadat, (1398), analysis of the content of Tawakkul verses in the Holy Quran, master's thesis, Tehran, Al-Zahra University.
 9. Shubbar, Seyyed Abdullah, (1378), Al-Akhlaq, Qom, Hijrat Publication.
 10. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Jamia al-Mu-darisin.
 11. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (n.d), Majma' al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Farahani.
 12. Tousi, Muhammad bin Hasan, (n.d), Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
 13. Etrat Doost, Mohammad, (1401), Getting to know the method of content analysis of religious texts, Tehran, Shahid Rajaei Teacher Training University.
 14. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410 AH), Al-Ayn, Qom, Dar al-Hijrah Institute.
 15. Qeraeti, Mohsen, (1388), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
 16. Qurashi, Ali Akbar, (1412 AH), Qamoos Qur'an, Tehran, Hikmat.
 17. Krippendorf, Kloss, (1387), Methodology Basics of Content Analysis, Tehran, Soroush.
 18. Mohammadi Mehr, Gholamreza, (1389), Content Analysis Method, Tehran, Daneshnegar.
 19. Motahari, Morteza, (1372), collection of works, Qom, Sadra.
 20. Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
 21. Naraghi, Muhammad Mahdi, (1383 AH), Jami' al-Sa'adat, Beirut, A'lami.
 22. Holsti, Al. R., (2011), content analysis in social and human sciences, Tehran, Allameh Tabatabai University.